

The Architectural Components of an Urban Community in a Nomadic Community, Based on Written Sources and the Results of Archaeological Excavations in Karakorum

Shahin Garakani Dashteh^{1*}, Mohammad Mortezaei²

1. PhD of Archaeology, Department of History and Archaeology, Faculty of Humanities, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Associate Professor of Archaeology Department of Cultural Heritage and Tourism Research Institute, Tehran, Iran

Article Info

Original Article

Received: 2021/01/17;

Accepted: 2021/02/24;

Published Online 2021/03/20

 10.30699/athar.41.2.156

Use your device to scan
and read the article online



Corresponding Author

Shahin Garakani Dashteh

PhD of Archaeology,
Department of History and
Archaeology, Faculty of
Humanities, Science and
Research Branch, Islamic Azad
University, Tehran, Iran

Email:

shaahin.dashteh@gmail.com

ABSTRACT

The Karakorum was the capital of the Mongol dynasty during the 13th century. In addition to Mongolia, the territory included China, Iran, Russia, and Eastern Europe. During these years, the city was the destination of many artisans, merchants, and scientists from all over the vast territory, who traveled to Mongolia to serve at the court of the Great Khan. Until recent years, much of the information about this ancient capital was limited to written sources provided by Chinese, Iranian, and European historians and globe trotters. With the expansion of archeological excavations in the area over the last two decades, many hidden corners of this historic site became available. Analyzing this information and matching it with historical documents can both answer any questions about the way of life of the Mongol rulers at the beginning of their reign, and can reveal the cultural interactions between these nomadic rulers and the subjugated nations. This article examines the latest information from archaeological excavations and their relevance to the surviving historical citations explains the main features of the first capital of nomadic rulers and examines the effects of their nomadic behavior on the settlement and design of the city. The data of this article have been collected by library methods and the obtained findings and the research has been done by the comparative-analytical method. The results of this study showed that the Karakorum is a pre-designed city with a specific geometric shape and has been built mostly for the settlement of people from dependent nations such as craftsmen, merchants, and court secretaries. The great Mongol Khan was content with staying only for a very short period in the suburbs, and to adhere to the nomadic way of life, he moved periodically from one settlement to another.

Keywords: Karakorum, Mongol empire, Nomadic government, Seasonal residences

Copyright © 2020. This open-access journal is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

How to Cite This Article:

Garakani Dashteh, S., Mortezaei, M. (2020). The Architectural Components of an Urban community in a Nomadic Community, Based on Written Sources and the Results of Archaeological Excavations in Karakorum. *Athar*, 41 (2): 156-177

مقاله پژوهشی

جایگاه، ساختار و اجزای معماری جامعه شهری در یک جامعه ایلی، براساس منابع مکتوب و نتایج کاوش‌های باستان‌شناسی در قراقوروم

شاهین گرکانی دشته*^۱، محمد مرتضایی^۲

۱. دکتری باستان‌شناسی، گروه تاریخ و باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران

۲. دانشیار، گروه باستان‌شناسی دوران اسلامی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران

اطلاعات مقاله	خلاصه
دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۸ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۶ انتشار آنلاین: ۱۳۹۹/۱۲/۳۰	قراقوروم در طول نیمه اول قرن هفتم ه. ق پایتخت قلمرو خانان مغول محسوب می‌شد. وسعت این قلمرو علاوه بر منطقه مغولستان، شامل سرزمین‌های چین، ایران، روسیه و اروپای شرقی بود. در طول سال‌های فوق، این شهر مقصد بسیاری از صنعتگران، بازرگانان و دانشمندانی بود که از سرتاسر این قلمرو گسترده، جهت خدمت در دربار خان بزرگ به مغولستان رهسپار می‌شدند. تا سال‌های اخیر، عمده اطلاعات درباره این پایتخت کهن، منحصر به منابع مکتوبی بود که تاریخ‌نویسان و سیاحان در تمدن‌های چین، ایران و اروپا ارائه داده بودند. با گسترش دامنه کاوش‌های باستان‌شناسی در طول دو دهه اخیر در این محوطه، بسیاری از زوایای پنهان این استقرارگاه تاریخی، در دسترس قرار گرفت. واکاوی این اطلاعات و تطبیق آنها با اسناد تاریخی، نه تنها می‌تواند به بسیاری از سؤالات درباره سلوک زندگی فرمانروایان مغول در ابتدای دوره حکومتشان پاسخ دهد، بلکه می‌تواند نشانگر تأثیرات و تأثرات متقابل فرهنگی میان این فرمانروایان کوچ‌نشین و ملل تابع شهرنشین باشد. این مقاله ضمن بررسی آخرین اطلاعات حاصل از حفاری‌های باستان‌شناسی و مطابقت آنها با استنادات تاریخی برجای مانده، ویژگی‌های عمده اولین پایتخت حکمرایان کوچ‌رو را تبیین کرده و تأثیراتی را که سلوک کوچ‌نشینی آنان بر نوع استقرار و طراحی این شهر داشته بررسی کرده است. اطلاعات این مقاله با روش‌های کتابخانه‌ای و مقایسه یافته‌های حاصل گردآوری شده و پژوهش با روش تطبیقی-تحلیلی صورت گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، قراقوروم شهری از پیش طراحی شده با فرم هندسی مشخص بوده و بیشتر جهت استقرار مردمانی از ملل تابعه، مانند صنعتگران، بازرگانان و دبیران درباری احداث شده است. خانان بزرگ به همراه ارکان دولت مغول، تنها به اقامت دوره‌ای بسیار کوتاه در حومه شهر اکتفا کرده و به منظور پایبندی به سلوک کوچ‌نشینی، به صورت دوره‌ای از استقرارگاهی به اقامتگاه دیگر در حرکت بوده‌اند.

نویسنده مسئول:

شاهین گرکانی دشته

دکتری باستان‌شناسی، گروه تاریخ و باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

پست الکترونیک:

shaahin.dashteh@gmail.com

کلیدواژه‌ها: قراقوروم، امپراتوری مغول، دولت کوچ‌نشین، اقامتگاه‌های فصلی

حق کپی‌رایت انتشار: این نشریه دارای دسترسی باز است و تحت قوانین گواهی‌نامه بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر می‌شود که اجازه اشتراک (تکثیر و بازآرایی محتوا به هر شکل) و انطباق (باز ترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.

گرکانی دشته، شاهین، مرتضایی، محمد (۱۳۹۹). جایگاه، ساختار و اجزای معماری جامعه شهری در یک جامعه ایلی، براساس منابع مکتوب و نتایج کاوش‌های باستان‌شناسی در قراقوروم. فصلنامه علمی آذر، ۴۱ (۲): ۱۵۶-۱۷۷

مقدمه

سرزمین کنونی مغولستان که در قسمت شمالی کشور چین واقع شده، از دو بخش مغولستان داخلی (داخل کشور چین) و مغولستان خارجی (جمهوری مغولستان) تشکیل شده است. قسمت عمده مساحت این سرزمین را استپ یا علفزارهایی وسیع پوشانده که تقریباً درختی در آن به چشم نمی‌خورد. مردم باستانی مغول که در این استپ‌ها به سر می‌بردند، همگی از راه دام‌پروری یا راهزنی امرارمعاش می‌کردند. با اینکه این نوع سلوک زندگی، مبتنی بر حرکت‌های دوره‌ای و عدم استقرار طولانی در یک مکان مشخص بوده، اما اقوام صحراگرد ترک و مغول تا پیش از تأسیس امپراتوری مغول، با مظاهر شهرسازی و تمدن غریبه نبوده‌اند. اسناد تاریخی از ساخت شهر و اقامتگاه‌هایی در طی دوره دو امپراتوری جیانگنو^۱ (Bemmann, 2011) و پس از آن امپراتوری ترکی-مغولی ایغور (از قرن ششم میلادی) حکایت دارند. یکی از مهم‌ترین این شواهد، بقایای پایتخت بزرگ امپراتوری اویغورها، موسوم به «قره‌بالغاسون»^۲ است که در سال‌های اخیر در مرکز جمهوری مغولستان کشف شده است. بررسی‌های باستان‌شناسی در محوطه این شهر، وجود یک نظام شهرسازی منسجم در این دوره را تأیید می‌کند (Becker, 2012, P. 52; Dähne et al., 2012; Bemmann et al., 2014). با این حال، شهر و ماهیت وجودی آن در میان این اقوام صحراگرد تا زمان چنگیز و ظهور امپراتوری جهانی مغول، آن‌چنان مورد اعتنا نبود تا به‌عنوان جایگزینی برای اردوگاه‌ها و یورت‌های موقتی آنان در نظر گرفته شود. در طی نخستین سال‌های حکمرانی خانان مغول در سرزمین مغولستان، نیاز به ترتیب ادارات و تنظیم قواعد مرسوم، به‌منظور کنترل سرزمین‌های وسیع تحت سیطره مغولان، لزوم تعریف و تشکیل یک پایتخت سیاسی راه، بار دیگر برجسته ساخت. بدین ترتیب، با احداث شهر «قراقوروم» در زمان «اوگتای قاآن» فرزند و جانشین چنگیز، اولین پایتخت سیاسی خانان بزرگ مغول در سرزمین مادری‌شان بنیان‌گذاری شد. گزارش‌های تاریخی بسیاری درباره شهر قراقوروم در منابع تاریخی چینی، مانند «تاریخ یوآنشی» (Hüttel & Erdenebat, 2011, P. 11)، منابع

و اسناد تاریخی ایرانی مانند «تاریخ جهانگشای جوینی» (Joweyni, 2008) و «جامع‌التواریخ رشیدی» (Hamedani, 1994) و همچنین منابع اروپایی مثل «سفرنامه ویلیام روبروک» (Rubruck, 1990) و «سفرنامه مارکوپولو» وجود دارد (Polo, 2011, P. 82). با این همه تا پیش از شروع اکتشافات باستان‌شناسی در اواخر قرن نوزدهم، هیچ سند فیزیکی از این محوطه تاریخی در دست نبود تا بتواند صحت ادعاهای تاریخی فوق را اثبات کند. در این کاوش‌ها که به سرپرستی ویلهلم رادلف^۳ انجام گرفت، باستان‌شناسان روسی توانستند ضمن ارائه یک نقشه از بقایای محوطه قراقوروم، حدود این شهر تاریخی را مشخص سازند (Hüttel & Erdenebat, 2011, P. 13). در میانه قرن بیستم، باستان‌شناسان روس، بار دیگر به سرپرستی «سرگئی کیسلف»^۴ کاوش‌ها در محل شهر قراقوروم را از سر گرفتند. با اینکه گزارش این کاوش‌ها هیچ‌گاه به‌تمامی منتشر نشد، اما حفاری‌ها در زمان کیسلف، ساختاری کامل از شهر قراقوروم و سازه‌های مستقر در مرکز و جنوب شهر ارائه داد (Pohl, 2010, P. 63). بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ادامه اکتشافات باستان‌شناسی در قراقوروم و محوطه‌های دیگر متعلق به دوره امپراتوری مغول در مغولستان، توسط گروه‌های مشترکی از کشورهای ژاپن-مغولستان و سپس آلمان-مغولستان پی گرفته شد. در پی این فعالیت‌ها که تا به امروز نیز ادامه دارد، چهره‌ای کامل از شهر قراقوروم، استقرارهای حومه‌ای آن، شهر سلطنتی قاآن و همچنین استقرارگاه‌های دوره‌ای او به دست آمد.

هدف پژوهش

این پژوهش در پی یافتن پاسخی برای این دو سؤال اصلی است: ۱. تلاقی زندگی کوچ‌نشینی و یکجانشینی در سلوک زندگی خانان مغول چگونه در نوع شهرسازی و استقرار آنها در قراقوروم منعکس شده است؟ ۲. فرم شهر قراقوروم به‌عنوان اولین پایتخت جهانی خانان مغول به چه صورتی بوده است؟

روش پژوهش

داده‌های این تحقیق با روش‌های اسنادی و مقایسه یافته‌های حاصله گردآوری شده و پژوهش با روش تطبیقی-تحلیلی صورت گرفته است.

پیشینه پژوهش

در طی فعالیت‌های باستان‌شناسی اخیر در محوطه تاریخی قراقوروم، حجم وسیعی از گزارش‌ها و مقالات منتشر شده است. به دلیل وجود استقرارگاه‌هایی از عصر مفرغ تا قرن هفدهم میلادی در این منطقه، تنها بخشی از گزارش‌های فوق به طور ویژه به بررسی آثار دوره امپراتوری مغول اختصاص داشته است. این گزارش‌ها و مقالات را می‌توان به سه دسته مختلف تقسیم کرد. دسته اول گزارش‌ها و مقالاتی است که محوطه تاریخی قراقوروم را از نظر وضعیت جغرافیایی و مطالعات زمین‌شناختی در عصر امپراتوری مغول در قرون ۱۳ و ۱۴ میلادی مورد بررسی قرار داده‌اند (Rogers, Ulambayar & Gallon, 2004, 2005; Pohl, 2010; Grütznert et al., 2012; Franken et al., 2019; 2020). دسته دوم نیز شامل گزارش‌ها و مقالاتی است که به ارائه نتایج کاوش‌ها در شهر قراقوروم و حومه آن در طول دوره حیات آن اختصاص داشته است (Bemmann et al., 2011; Heidemann et al., 2006; Hüttel, 2009; Pohl, 2010; & Voitov, 2010; Hüttel & Erdenebat, 2011; Bayar Pohl et al., 2012; Becker, 2012; Bemmann and Reichert, 2020). دسته آخر نیز شامل گزارش‌ها و مقالاتی است که اختصاصاً اقامتگاه‌های دوره‌ای قآن بزرگ را در سرزمین مغولستان مورد مطالعه قرار داده‌اند (Boyle, 1974; Koichi, 1994; Shiraishi, 2004; Waugh, 2010).

یافته‌های پژوهش

شهر قراقوروم به‌عنوان اولین پایتخت جهانی حکومت مغول دارای سه ویژگی کلی بوده که عبارت‌اند از: الف) شهری از پیش طراحی شده، ب) دارای نظام منطقه‌بندی شهری، ج) ساختاری کاملاً منظم جهت توسعه‌های آتی. اساس شکل‌گیری این فرم شهری نشان‌دهنده حضور مناطق طراحی شده شهری و لزوم نگرش ویژه به یک نظام یکجانشینی تعریف شده است. وجود این شهر گویای آن است که مغولان از مهارت‌های یکجانشینی

در اداره نظام‌های شهری ملل تابعه بی‌بهره نبوده‌اند. حتی می‌توان چنین ابراز داشت که ویژگی‌های این فرم از طراحی شهری در قراقوروم، در توسعه‌های آتی شکل‌گرفته در زمان حکومت مغولان در سرزمین‌های تابعه نیز، تأثیرگذار بوده که اثبات آن نیازمند مطالعات تکمیلی بیشتر است.

دولت خان بزرگ در قراقوروم، نماینده کامل ایجاد تعادل در انگاره‌های زندگی کوچ‌نشینی و یکجانشینی محسوب می‌شود. این دولت با وجود داشتن یک پایتخت ثابت و مشخص، اساساً دولتی کوچ‌نشین محسوب می‌شده است. منابع مکتوب به روشنی مؤید این واقعیت است که جایگاه ارکان دولت در اردوهای فصلی خانان بزرگ مشخص بوده است. همچنین براساس کاوش‌های باستان‌شناسی مشخص است که استقرارگاه‌های دوره‌ای خان بزرگ در سرزمین مغولستان در مکان‌های مشخص و از پیش معین قرار داشته است. وسعت و همچنین وجود یک طراحی از پیش تعیین‌شده در استقرارگاه‌های فوق نیز می‌تواند نشان‌دهنده حضور ارکان دولتی و درباری در این حرکت‌های فصلی باشد و گویای حضور یک دولت کاملاً کوچ‌نشین در این زمان است. این حرکت‌ها دارای یک نظم سالیانه مشخص و دارای مبدأ و مقصد معین بوده‌اند. این موارد را می‌توان مبنایی برای حرکت‌های فصلی در دوره ایلخانان مغول در ایران و همچنین حرکت ارکان دولتی با ایلخان مغول تلقی کرد.

سابقه یکجانشینی و ساخت شهر و استقرارگاه‌های

ثابت در میان اقوام ترک و مغول

با اینکه اساس سلوک زندگی اقوام کهن ترک و مغول بر پایه کوچ‌نشینی پایه‌گذاری شده، اما یکجانشینی و ساخت اقامتگاه‌های ثابت از زمان‌های بسیار دور در میان آنها رواج داشته است. امپراتوری جیانگنو و پس از آن امپراتوری ایغور، هر دو از علاقه‌مندان به فرهنگ و زندگی شهرنشینی بوده‌اند (Waugh, 2010, PP. 100-105). در این بین، ایغورها را از متقدم‌ترین قبایل ترکی-مغولی محسوب داشته‌اند که علاوه بر کسب فرهنگ شهرنشینی، خط اختیار کرده و بیش از پیش با مظاهر تمدن آشتی کرده‌اند. عطاملک جوینی به داستان

کوچ‌نشینی‌شان هم‌خوان بوده است. «تمیم بن بحر مطوعی» سیاح مسلمانی که در قرن سوم ه. ق به دربار ایغورها رفته است، گزارشی از استقرار خان ایغور در پایتخت ارائه کرده و به‌صراحت کاخ خان را یورتی بزرگ و طلایی عنوان داشته که در مرکز شهر مستقر بوده است (Rogers et al., 2005, P. 813). این امر گویای آن است که خان ایغور با اینکه درون شهر ساکن بوده، اما برای اینکه به‌صورت کامل به سنن کوچ‌روی اجدادش پایبند باشد، علی‌رغم چشم‌داشت به فرهنگ شهرنشینی، در پوسته‌ای نازک از فرهنگ کوچ‌نشینی نیز به سر می‌برده است. این روش سبب شکل‌گیری شهرها و اقامتگاه‌هایی شده که بیشتر متکی بر سازه‌های موقتی بوده است تا شهرهایی با سازه‌های ساخت‌واره. پژوهشگران معتقدند که بعضی از استقرارگاه‌های احداث‌شده در دورهٔ امپراتوری مغول و پیش از آن، تنها منحصر به احداث دیوارهای دفاعی بوده و اقامت در آنها متکی بر برپایی یورت‌های موقت بوده است (Rogers et al., 2005, P. 817). کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌هایی همچون «خرخول خانی بالگاس»^۶ و «بایابالیق»^۷ مؤید این فرضیه بوده است (Rogers et al., 2005, PP. 811-812). با این همه نباید از نظر دور داشت که بعضی از شهرها و اقامتگاه‌های کوچ‌روان تا پیش از دورهٔ مغول نیز دربرگیرندهٔ بسیاری از سازه‌های ساخت‌واره بوده‌اند. کشف بقایای پایتخت کهن ایغورها در نزدیکی قراقوروم که به «قرابالغاسون» مشهور است، نشانگر وجود شهری طراحی‌شده با سازه‌های منظم معماری است (Becker, 2012, P. 52; Bemmman et al., 2014).

چنگیز نیز همچون تون یوخوخ، زندگی درون شهرها را برای جنگجویان مغول مضر می‌دانسته است. او در یاسا، مغولان را به زندگی در اردوها در مکانی خارج از شهرها و رعایت سلوک زندگی مغولی توصیه کرده است. این یاسا زندگی در جامعهٔ عشیره‌ای و حفظ اصالت و پاکی خون را توصیه می‌کرده و در همین راستا، استقرار فرد در داخل دودمان و قبیله و دوری‌جستن از زندگی شهری را در جهت حفظ نژاد واجب می‌دانسته است (Moradi, Mousavi & Omrani, 2016, P. 36; Kenarroudi & Naimi, 2013).

پذیرفتن تمدن توسط ایغورها در کتابش اشاره کرده و این روند را با مسئلهٔ محوری ساخت شهر توسط آنان همراه ساخته است. او به «بوخوخان» به‌عنوان اولین خان ترکان ایغور اشاره داشته که در سرحدات ترکستان، شهر «بلاساقون» را پایه گذاشت و بعد از مرگ او، در زمان حکمرانی فرزندش، ایغورها با احداث شهر دیگری با نام «بیش‌بالیغ»، به کوچ‌روی میان این دو شهر پرداختند (Joweyni, 2008, PP. 149-151/1). علاوه بر کلام جوینی، در تواریخ چینی نیز سندی موجود است، مبنی بر درخواست خان ایغور از امپراتور چین برای فرستادن ملزومات کشاورزی (Waugh, 2010, P. 102) این دو سند نشان‌دهندهٔ علاقهٔ ایغورها به تغییر سلوک زندگی‌شان از صحراگردی و دام‌پروری به یکجانشینی و کشاورزی است. با وجود این در منابع مکتوب این دوره از شخصی با نام «تون یوخوخ»^۸ اسم برده شده که گویا از مشاوران بلندپایه خان ایغور بوده است. تون یوخوخ هنگامی که از علاقهٔ بیش‌ازحد خان به ساخت شهر و انجام فعالیت‌های کشاورزی آگاه می‌شود، او را به پایبندی به سلوک کوچ‌نشینی فراخوانده و ساخت شهر و یکجانشینی در قلعه‌ها را عامل از میان رفتن سنت‌های کهن عنوان می‌دارد (Rogers et al., 2005, P. 813). علاوه بر سخنان تون یوخوخ، در مکتوبات و سنگ‌نوشته‌های باقی‌مانده از ایغورها، هشدارهایی در رابطه با خطرات پرداختن به اصول شهرنشینی به چشم می‌خورد. این هشدارها صراحتاً شهرنشینی را مایه ایجاد رخوت و مسبب تنبیل شدن مردمان کوچ‌رو عنوان داشته است (Waugh, 2010, P. 102).

در مقابل همهٔ این هشدارها به نظر می‌رسد که خانان ایغور، توانسته‌اند که علی‌رغم علاقهٔ وافر به فرهنگ شهرنشینی، رسومات کوچ‌نشینی‌شان را نیز کماکان رعایت کنند. از فحوی کلام جوینی در رابطه با حرکت ایغورها از بلاساقون به بیش‌بالیغ، می‌توان به تداوم سنت کوچ‌نشینی در بین این قوم پی برد (Joweyni, 2008, PP. 149-151/1). این سند نشان‌دهندهٔ است از حضور حرکت دوره‌ای صحرائشینان میان دو اقامتگاهی که به فرم استقرارگاه‌های شهری برپا داشته‌اند. علاوه بر حرکت‌های دوره‌ای، نوع استقرار ایغورها در شهرها نیز با خوی

قراقورم است [...] بر بالای آن بنای باغی کردند. دروازه آن یکی ممر خاص پادشاه [...] و دیگری موسوم به اولاد و اقربا، و دیگری معین جهت خواتین و چهارم دخول و خروج عوام را. و در میان آن، کوشکی صنایع ختای برافراشتند [...] و از سالی دو نوبت در این منزل نزه نزول می‌فرمودی» (Joweyni, 2008, P. 273-275/1).

خواجه رشیدالدین فضل‌الله نیز درباره شهر جدید اوگتای در مغولستان، چنین گفته است:

«فرمود تا در یورت قراقوروم [...] سرایی به غایت عالی بنیان [...] بنا نهادند [...] و در میان آن کوشکی [...] برآوردند [...] و آن را قرشی نام نهادند [...] و فرمان شد تا هر یک از برادران و پسران و سایر شهزادگان که ملازم می‌بودند، در آن حوالی خانه‌ای بسازند [...] و چون عمارات تمام شد [...] فرمود تا برکنار آب اورقون شهری معظم بنا نهادند و قراقوروم نام کردند» (Hamedani, 1994, P. 672/1).

هم جوینی و هم خواجه رشیدالدین به ساخت شهر توسط اوگتای در منطقه قراقوروم اشاره کرده‌اند. جوینی محل این شهر را در منطقه قراقوروم عنوان داشته و صراحتاً بیان می‌دارد که تا پیش از ساخت پایتخت توسط اوگتای در این محل تنها یک حصار سنگی برقرار بوده است با نام اردوبالیغ. این حصار سنگی می‌تواند جایگاه همان استقرارگاه چنگیز باشد که در متون مغولی بدان اشاره شده است (Pohl, 2010, P. 530). از سخنان جوینی چنین استنباط می‌شود که اردوبالیغ، تا زمان اوگتای، تنها یک حصار دفاعی بوده و استقرار دربار چنگیز در آن بیشتر به صورت برقراری یورت‌ها میسر می‌شده است. براساس هر دو متن، اوگتای در نزدیکی شهر قراقوروم، قرشی یا قصری بزرگ در میان یک باغ برای استقرار خود و اطرافیانش ساخته است. جوینی نام این قرشی را ذکر نکرده است. خواجه رشیدالدین نیز در ابتدای گزارشش به این اقامتگاه اشاره کرده و سپس به ساخت شهر پرداخته و وجود آن را مقدم بر شهر قراقوروم عنوان داشته است. او نیز به نام این باغ یا قرشی اشاره نکرده و فقط به ذکر عنوان قرشی اکتفا نموده است. قرشی در اصل، واژه‌ای از زبان تخاری متأخر یا زبان ایرانی خوارزمی بوده که به زبان ترکی وارد

با این حال برخلاف یاسا، در متون مغولی به چهار اقامتگاه یا شهرکی اشاره شده که چنگیز در سرتاسر خاک مغولستان بنیان نهاده بوده است. یکی از شهرک‌های فوق در منطقه قراقوروم ساخته شده؛ جایی که بعدها توسط اوگتای، فرزند چنگیز به‌عنوان محل احداث پایتخت آتی مغولان انتخاب شده است (Becker, 2012, P. 44). با اینکه شواهد باستان‌شناسی که روشن‌کننده شکل و گستره این اقامتگاه‌ها باشد به دست نیامده، می‌توان گفت چنگیز نیز همچون خانان ایغور، به برپایی استقرارگاه با مصالح ساخت‌واره و اقامت موقت در آنها علاقه‌مند بوده است.

این دوقطبی یکجانشینی و کوچ‌نشینی در فرهنگ مغول، زاینده دورانی است که دولت‌های قاهر مرکزی در سرزمین‌های کوچ‌نشین مغولستان و ترکستان بر سر کار می‌آمده‌اند. در دولت‌های فوق، شهر به‌عنوان محلی برای توزیع دستورات اداری و همچنین مکان استقرار دولت عالی محسوب می‌شده است. شهر در نظام امپراتوران صحراگرد مکانی مناسب بوده است برای گردآوری و بهره‌کشی از اسرایی که دارای قابلیت‌های فنی بودند. علاوه بر این اصول، فارغ از مبحث وجود یا عدم وجود یک دولت قاهر مرکزی، شهر محلی امن به حساب می‌آمده که در آن تبادل کالاهای غارت‌شده صورت می‌گرفته است. همچنین این امنیت سبب می‌شده تا شهر، مکانی باشد برای استراحت و استقرار زنان، کودکان، سالخورده‌گان و بیماران که از قبایل در حال کوچ عقب مانده بودند (Hüttel & Erdenebat, 2011, P. 5).

قراقوروم^۸، اولین پایتخت جهانی امپراتوری مغول در اسناد و متون تاریخی

بعد از مرگ چنگیز، جانشین او، اوگتای قاآن تحت تأثیر فرهنگ ایغورها و در نزدیکی همان منطقه‌ای که آنها زمانی پایتخت باستانی‌شان را برپا داشته بودند، اولین پایتخت رسمی دولت مغول را بنیاد نهاد. خواجه علاءالدین عطاملک جوینی (قرن ۷ ه. ق) درباره فعالیت شهرسازی اوگتای قاآن چنین می‌گوید:

«چون حاتم زمان [اوگتای قاآن] به اردوی بزرگ پدر خرامید [...] در آن موضع شهر و دیهی نبوده است؛ مگر رسم دیواری که آن را اردوبالیغ نام بوده است. [...] بر بالای آن فرمود تا شهری بنا نهادند و اردو بالیغ نام کردند، اما معروف به شهر

مستندات باستان‌شناسی از شهر قراقوروم

کاوش‌های باستان‌شناسی در حوزه رود ارخون (اورقون) ۱ در مرکز مغولستان، جایی که گمان می‌رود، جایگاه قراقوروم باستانی بوده، از اواخر قرن بیستم تا به امروز به صورت پیوسته در جریان است. در طول کاوش‌های انجام‌شده در طی سال‌های میانی و اواخر قرن ۲۰ و همچنین دو دهه اول قرن ۲۱ در قراقوروم، بقایای حصار بیرونی شهر به ارتفاع ۱ متر و عرض ۱۵ تا ۱۸ متر نمایان شد. در طول این کاوش‌ها مشخص شد که شهر فرمی چهارگوش داشته و دارای چهار دروازه بوده و هر دروازه در میان یکی از دیوارها واقع بوده است. از هر دروازه یک خیابان بزرگ آغاز می‌شده که در مجموع شهر را به چهار قسمت تقسیم می‌کرده است (Rogers et al., 2005, P. 813). شواهد باستان‌شناسی همچنین مؤید این فرضیه بوده است که ساخت‌وساز در شهر قراقوروم از ابتدای حکومت اوگتای قاآن (۶۳۳ ه. ق) آغاز شده و روند توسعه آن، تا سال پایانی حکومت مُنگو قاآن (۶۵۷ ه. ق) ادامه داشته است (Pohl, 2010, P. 130) (شکل ۱).



شکل ۱. عکس هوایی از محوطه شهر قراقوروم. ۱. چهارراه مرکزی شهر ۲. معبد بودایی ۳. محوطه تجاری حومه شرقی ۴. گورستان مسلمانان ۵. محوطه‌های خالی ۶. صومعه اردنه‌زو
منبع: Bammann & Reichert, 2020

شده و اصل آن احتمالاً کرچیه به معنای کاخ و بارگاه بوده است (Hamedani, 1994, P. 1385/3). بنای این قرشی، گویا اولین اقدام مغولان در جهت ساخت یک شهر یا شهرک بوده است. مارکوپولو درباره این قرشی و شهر قراقوروم گفته است: «قراقوروم شهری است با پیرامونی حدود سه مایل [...] نزدیک شهر و کمی خارج از آن روستای بزرگی است با کاخی بسیار عالی که حاکم شهر در آن زندگی می‌کند، این کاخ اولین خانه‌ای است که تاتارها پس از خروج از سرزمین‌های خود دارا شدند» (Polo, 2011, P. 82). این قرشی را که می‌توانیم قرشی قراقوروم بنامیم، بنا بر گزارش هر سه متن، در نزدیک شهر اصلی احداث شده و به‌مانند یک کوران مغولی^۹، قاآن به تمام نزدیکانش دستور داده تا در اطراف آن قرشی، عماراتی برای خود احداث کنند و آن را مانند یک اردوی بزرگ ساخته بوده است.

به غیر از اطلاعات فوق، هر سه متن، اطلاعات بسیار اندکی در رابطه با شهر اصلی قراقوروم و شکل و نحوه استقرارها در آن ارائه داده‌اند. تنها گزارشی که ویلیام روبروک (قرن ۱۳ م) در هنگام دیدار از قراقوروم در زمان منگو قاآن منتشر ساخته، تا حدودی بیانگر شکل و ساختار شهر است. او قراقوروم را چنین تصویر کرده است: «این شهر دارای دو محله است یک مخصوص مسلمانان که در آن بازار مستقر است [...] محله دیگر مختص ختائیان است که اکثراً صنعتگر هستند. جدا از دو محله فوق، محله‌ای است که خانه دبیران بارگاه در آن قرار دارد. در این شهر دوازده معبد قرار دارد [...] دو مسجد وجود دارد و یک کلیسا که در انتهای شهر قرار دارد. شهر را یک دیوار گلین محصور ساخته است و دارای چهار دروازه است» (Rubruck, 1990, P. 221).

روبروک قراقوروم را همچون یک شهر متمدن دارای ابنیه ساخت‌واره مذهبی، محلات مختلف مخصوص مسلمانان، ختائیان (چینی‌های شمالی) و دبیران تصویر کرده که هم دارای بازار و هم دارای دیوار دفاعی گلینی بوده که در چهار سمت دارای دروازه بوده است. این فرم، تصویر یک شهر طراحی شده کاملاً هندسی را به ذهن متبادر ساخته که احتمالاً به فرم یک مربع یا دایره نزدیک بوده و در بیرون آن نیز شهرک یا قرشی قاآن قرار داشته است.

تقسیم کرد که بالغ بر شش فاز ساختمانی می‌شده که تعلق به قرون ۷ و ۸ ه. ق داشته است. در بسیاری از بقایای ساختمانی، مقدار بسیار زیادی آثار فلزی به دست آمده که گویای تعلق این فازهای استقرار به کارگاه‌های آهنگری و ریخته‌گری است. علاوه بر این، در سایر قسمت‌ها نیز بقایایی از کار بر روی شیشه و جواهرات و سنگ‌های بارزش نیز به دست آمده است. تمامی کارگاه‌های صنعتی فوق در نزدیکی چهارراه مرکزی شهر مستقر بوده‌اند. وجود مشاغل کارگاهی متنوع در راستای خیابان‌های قراقوروم ثابت می‌کند که راسته‌های صنعتی مجزایی در طول این دو خیابان واقع بوده است (Pohl et al., 2012, PP. 49-50) (شکل ۲).



شکل ۲. بقایای سنگ‌فرش خیابان و سازه‌های ساختمانی در حاشیه آن در اولین دوره استقرار در مرکز شهر قراقوروم
منبع: Pohl, 2010

به غیر از کشف ناحیه صنعتگران در مرکز شهر، باستان‌شناسان بقایای یک ساختمان عظیم را در قسمت جنوب غربی قراقوروم به دست آوردند. در ابتدا فرض بر این بود که ساختمان فوق، همان قرشی بزرگ قآن است، اما با ادامه روند مطالعات در سال‌های اخیر و تکمیل مراحل کاوش و شناسایی فرم کامل ساختمان، تشابهات بسیاری میان پلان آن با فرم معابد بودایی در عصر یوان به ثبت رسید. مهم‌تر از همه، دستیابی به متن کتیبه‌ای کهن بود که در سال ۷۴۶ ه. ق نوشته شده و در آن معبد بودایی شهر قراقوروم به‌وضوح تشریح شده بود. با مقایسه پلان ساختمان کشف‌شده با توضیحات متن فوق،

یکی از شاخصه‌های شهر قراقوروم، دو خیابانی است که در مرکز شهر یکدیگر را قطع کرده‌اند. تراکم ساختمان‌ها در اطراف این دو خیابان بسیار زیاد بوده؛ به صورتی که شامل حداکثر ۶ مرحله اسکان می‌شده است. مناطق شمالی و جنوبی شهر، جایی که دور از حدود این دو خیابان بوده، در مقایسه با توپوگرافی اصلی منطقه، دارای ارتفاع مختصری است که گویای وجود یک یا دو مرحله استقرار است (Bemmann & Reichert, 2020, P. 7). حفاری در طول مسیر خیابان‌های قراقوروم مشخص ساخت که این دو خیابان، قدیمی‌ترین سازه‌های احداث شده در این شهر بوده‌اند که در همان مراحل ابتدایی برپایی شهر بر روی بستری از شن و ماسه قرار گرفته بودند (Pohl, 2010, P. 505).

به غیر از کشف مسیر خیابان‌های قراقوروم که با سنگ‌فرش‌های آهکی پوشیده شده بود، کاوش‌ها در دو سوی مسیر آن، منجر به کشف فضاهایی چهارگوش با عرض ۳ تا ۴ متر شد که در لبه راه قرار داشتند (Pohl, 2010, P. 506). نوع طراحی خیابان و ساختمان‌های اطراف آن به صورتی بوده که خیابان نسبت به سطح صفر ساختمان‌های مستقر در دو سوی آن، از ارتفاع بیشتری برخوردار بوده و مسیر آن تقریباً ۰/۷ متر از سطح ساختمان‌های اطرافش بلندتر بوده است (Pohl, 2010, P. 126).

در محل تقاطع این دو خیابان در مرکز شهر قراقوروم بیشترین مقدار لایه‌های استقرار وجود داشته است. این انباشت لایه‌ها به قدری بوده است که سرگئی کیسلف آن را به اصطلاح «عمارتی در چهارراه شهر»^{۱۱} نامیده بوده است (Pohl, 2010, P. 63). مطالعات در طول سال‌های اخیر گویای آن بود که این منطقه و همچنین استقرارهای دو طرف خیابان‌های قراقوروم، به‌صورت عمده در ناحیه مرکزی شهر، همان ناحیه صنعتگرانی بوده که روبروک آن را متعلق به ختائیان عنوان داشته است. این حدس با کشف سازه‌هایی که گویای وجود سقف‌هایی به روش چینی در این ناحیه بود، قوت گرفت (Pohl, 2010, P. 507). براساس مشاهدات فنی، طول نقاط اشغال‌شده در این منطقه را می‌توان به سه دوره اقامتی

باستان‌شناسان با تجدیدنظر در فرضیه پیشین، بنای واقع در قسمت جنوب شرقی شهر را همان معبد بودایی تشخیص دادند که طبق اسناد مغولی هم‌زمان با ساخت قرشی اوگتای بنا شده است (Hüttel & Erdenebat, 2011, PP. 11-15).

علاوه بر ساخت و ساز در داخل حصار شهر قراقوروم، مطالعات و کاوش‌های اخیر بیانگر آن بود که این شهر دارای حومه بسیار وسیعی بوده است. مطالعات ژئومغناطیس جدید نشان‌دهنده آن است که خیابان‌های چهارگانه و متقاطع شهر در بیرون از دیوارها نیز امتداد داشته است (Bemmann & Reichert, 2020, P. 12). کشیدگی سازه‌های مستقر در دو سوی خیابان‌های اصلی در امتداد خیابان شرقی، تا بیرون از حصار شهر نیز تداوم یافته است؛ به صورتی که حجم بسیار زیادی از سازه‌های معماری در خارج از دروازه شرقی شهر، جایی که جاده تجاری به سوی چین آغاز می‌شده، به دست آمده است. کشف بقایای یک سقف چندتکه‌ای و همچنین کاشی‌های کار شده بر روی سقف، شاهدی بر وجود سکونت دائمی در این قسمت از حومه شهر و همچنین وجود خانه‌هایی با سبک ساختمان‌سازی چینی در این ناحیه است (Pohl et al., 2012, PP. 52-53).



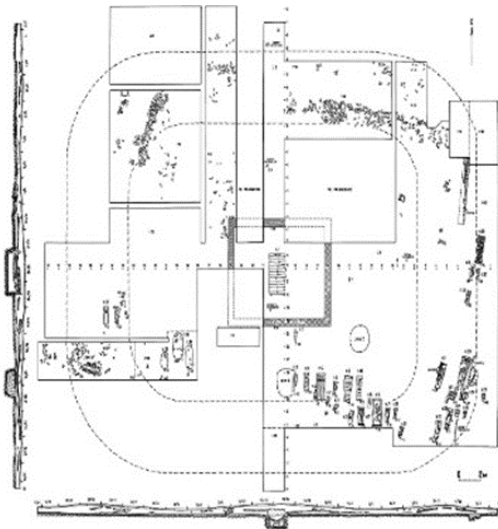
شکل ۳. تصویر سکه کشف شده در شهر قراقوروم

منبع: Heidemann et al., 2006

همچنین کشف مسکوکات در این منطقه، مؤید حضور یک مجموعه تجاری در این ناحیه بوده و می‌تواند گویای گسترش بازار بزرگ شهر تا حومه شرقی باشد. یکی از این مسکوکات، سکه‌ای با خط و نشان‌های ایرانی-اسلامی است که حضور یک اقتصاد فعال و وجود جامعه تجار مسلمان را مطابق با گفته‌های روبروک ثابت می‌کند (شکل ۳). بر روی سکه یافت شده فوق، محل ضرب سکه به زبان فارسی، شهر قروم که مخفف قراقوروم بوده عنوان شده است. همچنین عبارت «الامام الاعظم» در مرکز سکه دیده می‌شود. این کلمه می‌تواند اشاره‌ای به خلیفه مسلمین باشد که تا زمان منگو قاآن در بغداد صاحب‌نفوذ بوده است. برخلاف دو سکه یافت شده از دوره چنگیز در غزنین و بخارا، نام قاآن روی سکه فوق وجود ندارد. به نظر می‌رسد که درج علامتی به‌مانند حرف S لاتین در کنار کلمه مبارک «الله» بر روی دیگر سکه، نشان ویژه یا تمغای اوگتای قاآن بوده و ضرب‌کنندگان سکه تنها به درج این علامت بسنده کرده‌اند

موارد فوق نشانگر آن است که قاآن سعی داشته ضمن دادن آزادی مذهبی به جوامع مسلمان، مشروعیت دینی برای حکومت خود در میان این جامعه قدرتمند ایجاد کند. این آزادی مذهبی در درج شعائر دینی، در مسکوکاتی که در زمان ایلخانان مغول در نقاط مختلف ایران ضرب شده‌اند نیز به چشم می‌خورد (Ahmadi Nayini, 2018). می‌توان گفت ضرابان مسلمان در قراقوروم نیز، در ضرب سکه فوق از آزادی مذهبی کامل برخوردار بوده‌اند. آنها علاوه بر درج نام مبارک «الله»، بر روی دیگر سکه، عنوان خلیفه را نیز آورده‌اند. عدم اشاره به نام خلیفه نیز شاید به رعایت مصالح اجتماعی و احترام به قاآن بازمی‌گشته است. در مشابهت با سکه کشف شده در قراقوروم، در دو ناحیه کاملاً متفاوت، دو سکه دیگر کشف شده که آنها نیز همانند سکه اسلامی قراقوروم در این شهر ضرب شده‌اند. اولین سکه در محوطه شهر قدیم اترار و سکه دیگر در شبه‌جزیره کریمه کشف شده است (Heidemann et al., 2006, P. 94). اترار در زمان

انجام مطالعات تکمیلی نمی‌توان با اطمینان در این مورد نظر داد (شکل ۴). علاوه بر وجود قبرستان در ناحیه شمال غربی، در قسمت شمال و شمال شرقی نیز، یک محوطه بسیار بزرگ و خالی از هرگونه بقایای استقرار به چشم می‌خورد. وجود این محوطه بایر در میان حجم انبوه بقایای استقراری در داخل و حومه شهر و همچنین اشاره‌کردن به آن در اسناد تاریخی، پژوهشگران را در مورد کاربری آن با ابهام مواجه ساخته است. این احتمال وجود دارد که ناحیه فوق که دارای وسعت زیادی نیز بوده، به‌عنوان محلی برای استقرار یورت‌های موقتی مغولان به کار می‌رفته است. با این حال شواهد کافی برای اثبات این ادعا در دست نیست (Bemmann & Reichert, 2020, P. 13).



شکل ۴. نقشه کلی از قسمت‌های کاوش‌های شده در قبرستان مسلمان در حومه قراقوروم

منبع: Bayar & Voitov, 2010

حضور بقایای استقرارهای مختلف در غرب، شرق و شمال قراقوروم، این احتمال را که قرشی قراقوروم در حومه جنوبی شهر واقع بوده باشد، افزایش داده است. اسناد تاریخی با اینکه همگی بر استقرار قرشی در حومه شهر اتفاق نظر داشته‌اند، هیچ‌کدام به‌روشنی جهت این استقرار را ذکر نکرده‌اند. در حال حاضر، در قسمت جنوبی بقایای شهر قراقوروم، صومعه بودایی «اردنه‌زو»^{۱۲} قرار دارد که در قرن نهم ه. ق بنا شده است. براساس فرضیه ویلهلم رادلف، باستان‌شناس روس، صومعه فوق

اوگتای منطقه اردوی جغتای محسوب می‌شده و شبه‌جزیره کریمه نیز جزئی از منطقه اردوی زرین به شمار می‌رفته است. کشف سکه‌های فوق در مناطقی بسیار دورتر از پایتخت خان بزرگ، گویای آن است که بازرگانان مسلمان قراقوروم، با دورترین نقاط در امپراتوری گسترده مغول مرابده مالی داشته و یک جامعه تجاری صاحب نفوذ را تشکیل می‌داده‌اند.

بعد از بررسی‌ها در حومه شرقی، کاوش‌های باستان‌شناسی در حومه غربی شهر، به کشف بقایای یک منطقه بزرگ صنعتی منجر شد که در فاصله چهار کیلومتری از دیوارهای قراقوروم قرار داشته است. این ناحیه که اختصاص به کارگاه‌های ذوب فلز و پخت سفال داشته، از نظر نوع استقرار و مواد فرهنگی به‌دست‌آمده بسیار مشابه با منطقه صنعتی داخل شهر قراقوروم بوده و به احتمال در زیر نظر کارخانه‌های شاهی مستقر در شهر فعالیت می‌کرده است. کشف این منطقه به این معناست که شهر قراقوروم تنها منحصر به یک شهر محصور نبوده، بلکه حومه تجاری و کارگاهی آن، حتی ورای دیوارهای شهر گسترده بوده است (Hüttel & Erdenebat, 2011, PP. 19-20).

به غیر از وجود استقرارهای حومه‌ای در شرق و غرب شهر قراقوروم، مطالعات حاکی از آن است که در حومه شمالی شهر نیز، بقایایی از فعالیت‌های انسانی وجود داشته است. یکی از مهم‌ترین اکتشافات در این ناحیه، کشف قبرستان مسلمین در حومه شمال غربی شهر است. در این گورستان که شامل چندین تپه دست‌ساز است، گورهایی به دست آمده که به شیوه تدفین مسلمین ساخته شده است. همچنین در این ناحیه، تپه بزرگی قرار دارد که دورتادور آن به‌وسیله دیواری به طول ۴۰ متر محصور شده است. این تپه که در نگاه اول یک سازه ساختمانی به نظر می‌رسد، در جایی واقع است که بقایای هیچ اثر ساختمانی یا استقرارگاهی در سرتاسر آن به چشم نمی‌خورد. براساس برداشت‌ها، قسمت مرکزی این سازه دارای ۵۰ سانتی‌متر بقایای ساختمانی است و دیوارهای دورتادور آن نیز به ارتفاع ۳۰ تا ۵۰ سانتی‌متر باقی مانده است (Bayar & Voitov, 2010, P. 289). با اینکه احتمال این وجود دارد که بنای فوق، بقایای یک مقبره به سبک اسلامی بوده باشد، اما تا

به استقرار کوشک در میانه محوطه قرشی پرداخته و سپس استقرار اطرافیان قآن در حوالی قرشی را به صورت حجم انبوهی از ابنیه توصیف کرده است (Hamedani, 1994, P. 672/1). مهم‌ترین بخش توصیفی در گزارش جوینی نیز، شرح مختصری است که در رابطه با چهار ورودی اصلی قرشی ارائه داده و هر کدام از آنها را متعلق به یکی از گروه‌های درباری عنوان داشته است (Joweyni, 2008, P. 273/1). در واقع بر مبنای توصیفات جوینی بوده است که باستان‌شناسان، استقرار چهار دروازه در چهار سمت صومعه اردنه‌زو را منطبق با فرم قرشی قراقوروم مفروض داشته‌اند. به غیر از این اطلاعات، از باقی این توصیفات نمی‌توان به ساختار کلی استقرارها در قرشی قراقوروم پی برد. تنها گزارش به‌جای‌مانده از ویلیام روبروک است که تا حدی توانسته صورتی ناقص از شکل قرشی قراقوروم به دست دهد. او در گزارشی مختصر، محوطه کاخ قآن در جنوب شهر را این‌چنین تشریح کرده است:

«در قراقوروم منگو یک اقامتگاه بزرگ در نزدیکی دیوارهای شهر دارد که دورتادور آن به وسیله‌های دیوارهای اجری محصور شده است. دقیقاً مشابه با دیرهای مسیحیان. در این مکان کاخ بسیار بزرگی است و ساختمان‌های متعدد دیگری نیز وجود دارد [...] ساختمان کاخ به ساختمان کلیسا شباهت دارد با یک ناو مرکزی و دو ناو کناری به همراه سه درگاه در سمت جنوب آن [...] کشیدگی کاخ از سمت شمال به جنوب است» (Rubruck, 1990, PP. 209-221).

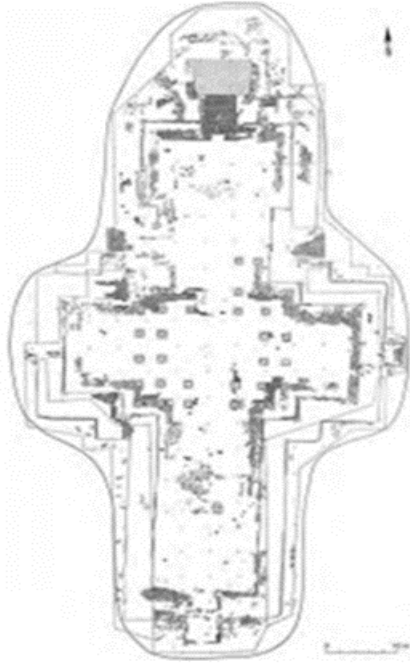


شکل ۵. جانمایی ترانشه‌های حفرت‌شده در چهار طرف دیوار صومعه اردنه‌زو

منبع: Hüttel & Erdenebat, 2011

در همان محل قرشی قراقوروم واقع شده است (Hüttel & Erdenebat, 2011, P. 13) (شکل ۱). اولین شواهد که مؤید فرضیه رادلف بود، در هنگام حفر یک ترانشه آزمایشی در قسمت شمالی دیوار اردنه‌زو به دست آمد. این ترانشه نشان داد که دیوار کنونی صومعه روی بقایای دیواری قرار دارد که احتمالاً از نیمه دوم قرن هشتم ه. ق فاقد کاربری بوده است. امتداد این دیوار با حفر ترانشه‌های دیگری در شمال، غرب، جنوب و شرق دیوار کنونی صومعه آشکار شد (شکل ۵). ساختار دیوار گویای زمان احداث آن در اوایل قرن هفتم ه. ق است. همچنین انجام آزمایش کربن ۱۴ روی بقایای چوبی یافت‌شده در میان دیوار، این تاریخ‌گذاری را قابل‌استناد ساخته است. در داخل هر دو ترانشه شمالی و غربی، پایه‌راه‌هایی قابل‌تشخیص است که به صورت موازی به سمت شهر هدایت شده است. به‌طور خلاصه باید گفت که دیوار کنونی صومعه بر روی قسمت‌های مسطح دیواری که سابق بر این، در محل قرار داشته بنا شده است. در میان دیوارهای حال حاضر صومعه، چهار دروازه در چهار جهت قرار دارند. وجود این دروازه‌ها به‌طور کلی با کارکرد و سابقه صومعه‌های بودایی هم‌خوانی نداشته و می‌تواند حاکی از آن باشد که دروازه‌های فوق به‌دلیل انطباق دیوار جدید بر روی دیوار کهن، منطبق با دروازه‌های کهن قرشی قراقوروم بوده و به اجبار ساخته شده است. براساس انطباق شواهد باستان‌شناسی یافت‌شده و مدارک مستند تاریخی می‌توان گفت که مجموعه کاخ شاهی قآن یا همان قرشی بزرگ قراقوروم، در زیر محوطه کنونی صومعه اردنه‌زو قرار دارد (Hüttel & Erdenebat, 2011, P. 13). به‌دلیل انجام نشدن کاوش‌ها در داخل محوطه صومعه اردنه‌زو، باستان‌شناسان به‌طور کامل موفق به شناسایی تمامی محوطه این صومعه و تشخیص ساختار کامل قرشی قراقوروم نشده‌اند (Waugh, 2010, P. 11)؛ بنابراین برای شناسایی ساختار فوق، می‌باید تنها به اسناد تاریخی باقی‌مانده از این دوره اکتفا کرد.

در گزارش‌هایی که به قلم عظاملک جوینی و خواجه رشیدالدین فضل‌الله به نگارش درآمده، توصیفات کلی از فرم و ساختار قرشی قراقوروم ارائه شده است. خواجه رشیدالدین تنها



شکل ۶. پلان کاخ کاندوی در ترانس‌بایکالیا منبع: Bemann & Reichert, 2020

با اینکه در گزارش خواجه رشیدالدین به استقرار اقامتگاه‌های اطرافیان قآن در نزدیکی قرشی اشاره شده، تاکنون هیچ سازه بنایی قابل توجهی در محوطه قراقوروم به دست نیامده که بتوان آن را به اقامتگاه‌های اشراف درباری منتسب کرد (Bemann & Reichert, 2020, PP. 13). این احتمال نیز وجود دارد که این سازه‌ها به‌وسیله یورت‌های موقت تعریف و مستقر می‌شدند. اگر این‌گونه باشد، دو محل مختلف برای استقرار یورت‌های فوق می‌توان متصور بود. محل اول، در داخل محوطه قرشی قراقوروم، در بال‌های شرقی و غربی قآن، که احتمالاً فاقد سازه ساخت‌واره بزرگ بوده است. محل دوم نیز محوطه بایر در حومه شمالی شهر که بر مبنای مطالعات باستان‌شناسی، فاقد هرگونه استقرار ساخت‌واره بوده است؛ با این حال با اتکا به گزارش خواجه رشیدالدین، فرضیه استقرار درباریان در داخل محوطه قرشی نسبت به محوطه بایر در شمال شهر، دارای احتمال بیشتری است (شکل ۷).

از توصیفات روبروک مشخص است که در داخل محوطه محصور قرشی قآن در قراقوروم، به غیر از ساختمان کاخ، چندین بنای دیگر نیز قرار داشته که در این میان بنای کاخ مهم‌ترین و اصلی‌ترین بنای مجموعه بوده است. با اینکه او تصویری از بنای کاخ به‌صورت یک قصر با یک راهروی مرکزی و دو راهروی کناری و سه درگاه که رو به جنوب گشوده می‌شدند ارائه داده، اما هنوز هیچ اثری از بنای مورد نظر به‌دلیل عدم انجام کاوش‌های باستان‌شناسی به دست نیامده است؛ با این حال می‌توان به بقایای کاخی مغولی که در منطقه ترانس بایکالیا^{۱۳} در سیبری پیدا شده است، اشاره کرد. این اثر یک اقامتگاه سلطنتی به نظر می‌آید که در مرکز آن راهروهای ستون‌داری در جهت شمالی-جنوبی قرار داشته است. شکل طراحی راهروهای فوق به صورتی بوده که راهرویی عریض در محور مرکزی قرار می‌گرفته و دو راهروی باریک نیز در دو طرف آن مستقر می‌شده‌اند. پلان اصلی بنای کشف‌شده در سیبری شباهت بسیاری به صلیب مسیحیان داشته و همین‌طور می‌توان احتمال داد که ساختمان فوق مشابه با فرم کاخ قآن در قرشی قراقوروم بوده است (Bemann & Reichert, 2020, PP. 10-11) (شکل ۶).

با ارزیابی سه مؤلفه مختلف که مبتنی بر کاوش‌های باستان‌شناسی، گزارش‌های مورخین ایرانی و گزارش ویلیام روبروک است، می‌توان به نوع استقرار کاخ قآن در قرشی قراقوروم پی برد. از کاوش‌های باستان‌شناسی مشخص است که محوطه این قرشی به‌صورت یک مستطیل با کشیدگی غربی-شرقی بوده که در حومه جنوبی شهر واقع بوده است. در گزارش‌های جوینی و خواجه رشیدالدین به استقرار کاخ یا کوشک قآن در مرکز قرشی اشاره شده و از طرفی نیز، روبروک فرم این بنا را به‌صورت یک سازه مستطیل‌شکل با کشیدگی شمالی-جنوبی تشریح کرده است. از مجموعه اطلاعات فوق می‌توان استنباط کرد که کاخ قآن در میان محوطه قرشی و در حد فاصل دو دروازه شمالی و جنوبی واقع بوده است.

- شرقی کاربری تجاری داشته و حومه شمالی به‌عنوان گورستان شهر به کار می‌رفته است.
- عدم استقرار قآن و تعریف اقامتگاه او در حومه جنوبی شهر، مبنایی برای دوری‌گزینی خان بزرگ از استقرار در داخل یک شهر بزرگ است.
 - استقرارگاه قآن در جنوب شهر، همچون قراقوروم به فرم مستطیل کشیده طراحی شده و دارای چهار دروازه در چهار سمت بوده است. قرشی یا کاخ خان، در مرکز این اقامتگاه قرار داشته است.



شکل ۷. جانمایی مناطق اصلی در شهر قراقوروم بر روی نقشه
منبع: نگارندگان؛ Pohl, 2009

استقرارگاه‌های دوره‌ای خان بزرگ در اطراف قراقوروم براساس اسناد تاریخی و مستندات باستان‌شناسی

دربار خان بزرگ همیشه در قراقوروم ساکن نبوده و اقامت آن تنها به دو بار در سال محدود می‌شده است. روبروک اقامت قآن را در بهار و بار دیگر در تابستان گزارش کرده است (Rubruck, 1990, P. 209). این حرکت‌های دوره‌ای قآن را که منطبق با سلوک زندگی کوچ‌نشین بوده، عطاملک جوینی در کتابش به تفصیل متذکر شده و ضمن اشاره به آنها، اقامتگاه‌های دوره‌ای قآن را نیز در اطراف قراقوروم مشخص ساخته است:

«و چون حسن بهار به غایت رسیدی [...] روی به متنزهی دیگر نهادی که آن را مهندسان مسلمان بر رخم ختاییان افراشته بودند و آن را قرشی سوری نام است، کوشکی نیک عالی [...] آنجا چهله بداشتی و غدایر آب آن را گول خوانند [...] و چون عمر بهار به اکتهاال رسیدی [...] از آنجا به مقر مقصود متوجه گشتی. [...] بر سه میل شهر بر بینی پشته‌ای، کوشکجه‌ای فرموده بود [...] از شهر نزل بدان مقام آوردندی و از آنجا هنگام تابستان در میان کوه‌ها رفتی و از ختای بارگاهی که دیوارهای آن از چوب مشبک ساخته بودند و بالا از جام‌های مذهب و بر بالای آن پوشش نمد سفید آورده بودند برافراشتندی و آن را سیر اردو [همان شیر اردو یا سرای اردو] نام است» (Joweyni, 2008, PP. 273-275/1).

این حرکت‌های دوره‌ای دربار خان بزرگ در کتاب خواجه رشیدالدین فضل‌الله با تفصیل بیشتری بازتاب داشته است:

تحلیل یافته‌ها از شهر قراقوروم

- قراقوروم به‌عنوان اولین پایتخت امپراتوری مغول، به‌صورت یک شهر کاملاً از پیش طراحی شده، احداث گردیده که می‌توان ویژگی‌های اصلی آن را در موارد زیر به‌صورت خلاصه دسته‌بندی کرد:
- فرم شهر به‌صورت یک مستطیل کشیده بوده که نزدیکی دو ضلع غربی و شرقی آن در سمت جنوب، آن را به تصویر یک دوزنقه نزدیک می‌کرده است.
 - فضای داخلی شهر با استقرار چهار دروازه در چهار سوی دیوار و منتهی‌شدن چهار خیابان به مرکز آن، به چهار قسمت نسبتاً مساوی تقسیم می‌شده است.
 - عمده استقرارها در حاشیه خیابان‌های داخلی، اختصاص به کارگاه‌های صنعتی داشته است.
 - استقرار بازار به‌صورت عمده در راستای خیابان شرقی شهر تا امتداد حومه شرقی آن بوده است.
 - استقرار بنای معابد و سایر ساختمان‌های مذهبی با فاصله از راسته‌های صنعتی، در دو سوی شمالی و جنوبی شهر بوده است.
 - گستردگی شهر در حومه، دارای تعاریف مشخص است: حومه غربی یک حومه صنعتی است، حومه

دیان^{۱۴} اشاره شده که از نظر شیرایشی نزدیکی ساختاری با نام کهرچاغانی دارد که خواجه رشیدالدین عنوان کرده است. شیرایشی براساس این استنادات تاریخی، محوطه‌ای با نام «دویتان بالگاس»^{۱۵} واقع در فاصله ۴۲ کیلومتری شمال قراقوروم را، محتمل‌ترین جایگاه اقامتگاه بهاری قآن فرض کرده است. این محوطه در جنوب دریاچه «تاسگان»^{۱۶} قرار داشته و دورتادور آن را دریاچه‌های بزرگ و کوچک دیگری نیز فراگرفته‌اند. سازه‌های تاریخی دویتان بالگاس، در بالای تپه‌ای قرار دارد که ۵۰ متر از محوطه‌های اطراف بالاتر است. در مرکز این محوطه، سازه‌ای به چشم می‌خورد که دارای ۶۰ متر طول و ۵۰ متر عرض است و ۱/۵ متر ارتفاع دارد. دورتادور این سازه را به غیر از جبهه شمالی، ۵۰ ساختمان کوچک احاطه کرده که مساحت هرکدام در حدود ۲۰ در ۱۰ متر است. کلیت محوطه تاریخی «دویتان بالگاس» از جنوب به شمال ۱۵۰ متر و از غرب به شرق ۲۵۰ متر است. شیرایشی دو دلیل عمده را عنوان داشته که ثابت می‌کند محوطه فوق همان اقامتگاه بهاری دوره اوگتای است. اول اینکه فرم استقرار بناها در این محوطه شباهت بسیاری با فرم استقرار کوران‌های مغولی داشته و مشتمل بر سازه‌هایی بوده که دورتادور یک سازه مرکزی مجتمع شده‌اند. همچنین براساس متن «یوان شی» قصر «جیان جیان چاهان دیان» در فاصله ۷۰ لی از قراقوروم قرار داشته است. ۷۰ لی معادل ۴۰ کیلومتر است و از این نظر کاملاً با محل «دویتان بالگاس» که در فاصله ۴۲ کیلومتری از شمال قراقوروم قرار دارد منطبق است (شکل ۸). در گزارش جوینی به انبوه دریاچه‌هایی اشاره شده است با نام «گول» که در اطراف کوشک قآن قرار داشته‌اند. این توصیف، به‌طور دقیق با محل امروزی محوطه تاریخی «دویتان بالگاس» منطبق است. از طرفی نام بزرگ‌ترین دریاچه در این محوطه نیز «تاسگان» است که به عقیده شیرایشی با نام چاغان در متن خواجه رشیدالدین قرابت دارد (Shirایشی, 2004, PP. 110-111) علاوه بر شیرایشی، پژوهشگران دیگری نیز محوطه دویتان بالگاس را با اقامتگاه بهاری قآن منطبق دانسته‌اند (Rogers et al., 2004, P. 83).

«و فرمود تا اوزان مسلمان بر یک روزه شهر [...] که آن را کهرچاغان گویند کوشکی بساختند، و در فصل بهار جهت جانور پرانیدن آنجا بودی. و تابستان در موضع اُرمگتو؛ و آنجا خرگاهی بزرگی که هزار کس در آن گنجیدی زده بودند که هرگز بر نمی‌گرفتند [...] و آن را شیره اُردو می‌خواندند؛ و پاییز در گوسه اُور ناُور بودی به چهار روزه قراقوروم و چهله آنجا کردی؛ و زمستان گاه اونگ قی بود. [...] و چون عازم قراقوروم شدی بر دو فرسنگی شهر کوشکی عالی ساخته بود و تُرغوبالیغ نام کرده [...] و مدت ماهی در قرشی به عشرت مشغول» (Hamedani, 1994, PP. 672-673/1).

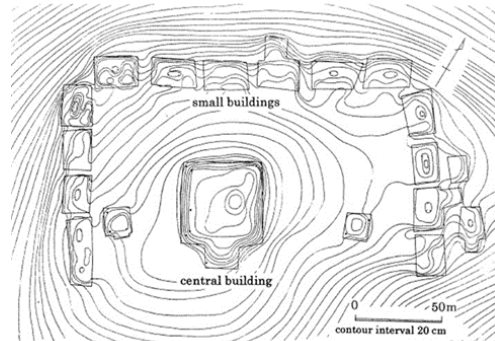
عطاملک جوینی در گزارشش تنها به سه اقامتگاه دوره‌ای قآن اشاره کرده که در این میان دو اقامتگاه بهاری با نام قرشی سوری و اقامتگاه تابستانی با نام سیر اردو قابل ذکر است. خواجه رشیدالدین نیز، ضمن اشاره به اقامتگاه‌های بهاری و تابستانی، به «گوسه اُور ناُور» به‌عنوان اقامتگاه پاییزی و «ونگ‌قی» به‌عنوان اقامتگاه زمستانی، علاوه بر گزارش جوینی اشاره کرده است.

اقامتگاه بهاری

جوینی، قرشی سوری یا همان اقامتگاه بهاری را دارای کوشکی عنوان داشته که توسط مهندسان مسلمان احداث شده است. خواجه رشیدالدین نیز به اقامتگاه بهاری قآن اشاره کرده و محل این اقامتگاه را در فاصله یک روزه قراقوروم در موضعی با نام کهرچاغان عنوان داشته است. این اقامتگاه نیز همچون اقامتگاه قآن در قراقوروم با نام قرشی خوانده می‌شده و برخلاف قرشی قراقوروم که توسط مهندسان چینی احداث شده، توسط ایرانیان که در واقع مسلمانان دربار قآن بوده‌اند، ساخته شده است؛ از این نظر اقامتگاه بهاری قآن دارای ابنیه ساخت‌واره بوده است. «نوریاکی شیرایشی» که به کاوش در محوطه‌های اطراف قراقوروم پرداخته، چندین محوطه واقع در نزدیکی قراقوروم را با گزارش‌های متون تاریخی دوره مغول انطباق داده است. او به‌منظور مکان‌یابی اقامتگاه بهاری قآن از متن تاریخ‌نامه دوره یوان، موسوم به «یوان شی» نیز بهره گرفته است. طبق گفته او، در یوان شی به اقامتگاه بهاری قآن با نام جیان جیان چاهان

شیرایشی در تلاش برای یافتن جایگاه این اقامتگاه، به نام ارمگتو که خواجه رشیدالدین در گزارشش بدان اشاره کرده، متوسل شده و این نام را با نام منطقه‌ای با عنوان «اوراگت»^{۱۷} منطبق دانسته است. اوراگت منطقه‌ای کوهستانی است که در فاصله ۱۳ کیلومتری از جنوب قراقوروم قرار دارد. از نظر شیرایشی، اقامت کوچ‌نشینان مغول در فصل تابستان در این منطقه که تا به امروز نیز ادامه داشته، شاهدهی است بر تداوم استقرارهای تابستانی در این محل (Shiraishi, 2004, P. 114).

برخلاف نظر شیرایشی، پژوهشگران دیگر محوطه تاریخی «بایان گول»^{۱۸} در فاصله ۱۴ کیلومتری شمال قراقوروم را محل اصلی سیراردو معرفی کرده‌اند. اساس این فرضیه، یک متن تاریخی متأخر است که محوطه بایان گول را همان محل سیراردو تاریخی عنوان داشته است (Pohl et al., 2012, P. 60). این سایت تاریخی دارای دو محوطه محصور کوچک با اندازه تقریبی ۱۳۵ در ۱۴۵ متر و دیگری با اندازه ۸۵ در ۱۲۵ متر است. علاوه بر این، در قسمت‌های خارج از دو محوطه فوق، بقایای ساختمانی دیگری نیز قابل مشاهده است که جملگی گویای وجود سازه‌های بنایی متعدد در این سایت تاریخی است (Rogers et al., 2004, P. 82). با این همه، مطالعات اخیر که توسط باستان‌شناسان آلمانی صورت گرفته، نشانگر آن است که سازه‌های موجود در محوطه تاریخی بایان گول برخلاف انتظار، متعلق به پیش از دوره امپراتوری مغول بوده و از این منظر نمی‌توان سایت تاریخی بایان گول را همان سیراردوی باستانی در دوره مغول عنوان دانست (Pohl et al., 2012, PP. 60-62). با این احتساب احتمال بیشتری وجود دارد که مکان فرضی که از طرف شیرایشی در جنوب قراقوروم معرفی شده، همان مکان سیراردوی تاریخی باشد. محوطه فوق، از دو منظر در مقایسه با بایان گول هم‌خوانی بیشتری با خصوصیات ذکرشده در متون تاریخی دارد. اول آنکه، در این متون نوع استقرارها در سیراردو، تماماً به صورت یورت‌های موقت گزارش شده است. بر این اساس، محوطه احتمالی که این اقامتگاه در آن قرار داشته، برخلاف محوطه بایان گول، می‌بایست فاقد بقایای سازه‌های بنایی بوده باشد. نکته دوم نیز مستند بر گزارش روبروک است.



شکل ۸. محوطه تاریخی دویتان‌بالکاس
منبع: Shiraishi, 2004.

اقامتگاه تابستانی

بر مبنای گزارش جوینی، اقامتگاه تابستانی قآن در منطقه‌ای کوهستانی واقع بوده که او آن را سیراردو نامیده است. او به بارگاهی قابل حمل از جنس چوب اشاره کرده که ساخت چینیان بوده و علاوه بر پوشش نم‌دین، جام‌هایی برای نوردی داشته است. خواجه رشیدالدین نیز بر گزارش جوینی صحنه گذاشته است. او اقامتگاه تابستانی قآن را با نام شیرهاردو معرفی کرده و به تأسی از جوینی، نوع استقرارها در این محل را مبتنی بر یورت‌های موقت عنوان داشته است؛ با این حال از گزارش خواجه رشیدالدین چنین استنباط نمی‌شود که این یورت با سازه‌های چوبین بنا شده باشند. همچنین او استقرار یورت قآن در این محل را همیشگی خوانده و این چنین گفته است که این یورت هیچ‌گاه جمع نمی‌شده است. این امر می‌تواند گواهی بر عظمت یورت قآن در سیراردو باشد؛ بدین معنا که به قدری بزرگ بوده که جمع‌آوری و نسب یورت، بیش از آن زحمت داشته که بخواهند هر ساله به آن کار اقدام کنند. پلان کارپین نیز که سیراردو را در طول برگزاری مراسم تاج‌گذاری کیوگ قآن توصیف کرده، اردوگاه را فاقد ساختمان معرفی داشته و صراحتاً به عظمت یورت قآن که در مرکز اردو واقع بوده، اقرار کرده است (Plan Carpin, 1984, P. 100). می‌توان گفت که اقامتگاه فوق قرابت بیشتری با کوران‌های سنتی داشته و برخلاف قرشی قراقوروم و قرشی سوری، فاقد کوشک مرکزی بوده است.

Hamedani, 1994,) توسط دیوارهای گلین محصور بوده است (P. 673/1).

به غیر از خواجه رشیدالدین، ویلیام روبروک نیز به تفصیل، اقامتگاه زمستانی قآن را تشریح کرده است. او که اولین دیدارش با منگو قآن در این محل انجام شده، در تمامی طول زمستان، در آونگی اقامت داشته است. به کمک گزارش او می‌توان این اردوگاه را همچون یک شهرک بزرگ با سازه‌های بتایی تصور کرد. روبروک به خیابانی واقع در مرکز اردوگاه اشاره کرده که بناهایی در دو طرف آن قرار داشته است. طبق گزارش او، این خیابان به محل اقامتگاه قآن ختم می‌شده است. اقامتگاه فوق، علاوه بر یورت‌های زنان و درباریان، شامل کاخ قآن و کاخ پسر ارشدش بوده که در کنار یکدیگر قرار داشته‌اند. روبروک به چگونگی دقیق استقرار یورت‌های زنان قآن نپرداخته است. تنها به این مطلب اشاره کرده که اقامتگاه او در کنار اقامتگاه آخرین همسر قآن قرار داشته که در منتهی‌الیه شرقی واقع بوده است (Rubruck, 1990, PP. 170-194).

شیرایشی معتقد است که محوطه تاریخی «شازن قوت»^{۱۹} که در فاصله ۱۷۰ کیلومتری جنوب قراقوروم قرار دارد، همان محل اقامتگاه زمستانی قآن است. این محوطه در کنار رودخانه «اونگی»^{۲۰} قرار دارد که بنا بر ادعای شیرایشی، با نام «اونگ قی» که در جامع‌التواریخ آمده، دارای تشابه است. او همچنین به اقامتگاه زمستانی قآن در «یوان‌شی» که با نام «وانگجی»^{۲۱} معرفی شده، اشاره کرده و معتقد به مشابهت نام آن با دو نام قبلی است (Shiraishi, 2004, PP. 112-113). این محوطه تاریخی فاقد حصار دفاعی بوده و بقایایی که گویای وجود سازه‌های بنایی است، در گستره وسیعی از آن به چشم می‌خورد (Rogers et al., 2005, P. 811).

در محور مرکزی شازن قوت، خیابان بزرگی قرار دارد که از میانه این محوطه تاریخی تا به سمت شمال امتداد یافته است. استقرار بقایای معماری در دو طرف این خیابان، شباهت بسیاری با گزارشی دارد که روبروک از اردوگاه زمستانی قآن ارائه کرده است. خیابان فوق در انتهای محوطه به خیابان دیگری منتهی شده است که طول شرقی-غربی داشته و بقایای دو سازه

براساس این گزارش، اقامت قآن در قراقوروم در دو فصل بهار و تابستان صورت می‌گرفته است. اقامت در فصل بهار براساس همین متن، پس از بازگشت از اقامتگاه زمستانی بوده است (Rubruck, 1990, P. 209). از این نظر، استقرار او در فصل تابستان نیز به‌طور منطقی می‌باید پس از بازگشت از اقامتگاه بهاری بوده باشد. با قبول دویتان بالگاس به‌عنوان اقامتگاه بهاری که در شمال قراقوروم واقع است، می‌توان پذیرفت که قآن برای رسیدن به اقامتگاه تابستانی، واقع در جنوب قراقوروم، بار دیگر در اوایل تابستان به قراقوروم وارد می‌شده است.

اقامتگاه پاییزی

عطاملک جوینی در گزارشش اشاره‌ای به اقامتگاه پاییزی قآن نکرده است. در مقابل خواجه رشیدالدین این اقامتگاه را با نام «گوسه‌آور ناؤر» معرفی کرده که در فاصله چهار روزه قراقوروم قرار داشته و همانند اقامتگاه بهاری، قآن به مدت چهل روز در آن مستقر می‌شده است. خواجه رشیدالدین برخلاف قرشی قراقوروم، قرشی سوری و سیراردو، به نوع اقامت قآن در این اردوگاه اشاره‌ای نکرده است، اما از آنجایی که فصل اقامت در این اردوگاه همراه با شروع سرما بوده، می‌بایست انتظار داشت که در گوسه‌آور ناؤر نیز همچون کهرچاغان و قراقوروم، یک قرشی سلطنتی وجود داشته باشد.

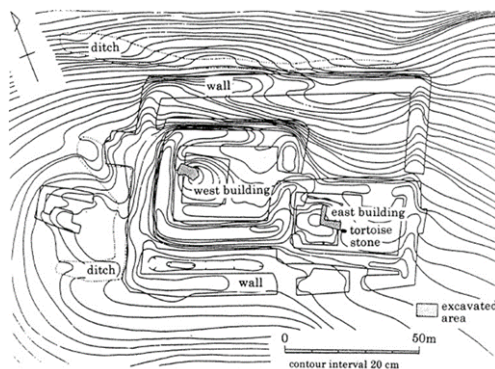
شیرایشی بر مبنای متون تاریخی، اعتقاد دارد که قآن پس از ترک اردوگاه پاییزی، بدون مراجعت به قراقوروم، مستقیم به سوی اردوگاه زمستانی که در مناطق جنوبی‌تر قراقوروم واقع بوده، رهسپار می‌شده است. از این نظر، او مکان این اردوگاه را جایی در جنوب قراقوروم عنوان داشته است؛ با این حال به دلیل عدم وجود مدارک مستند، نتوانسته جایگاه حدودی این اقامتگاه را مشخص نماید (Shiraishi, 2004, P. 114).

اردوگاه زمستانی

در میان مورخان ایرانی، تنها خواجه رشیدالدین اردوگاه زمستانی قآن را معرفی کرده است. او این اقامتگاه را «اونگ قی» نامیده و به شکارگاه بزرگی در نزدیکی این اقامتگاه اشاره کرده با نام «چیپیک» که دورتادور آن به‌منظور مهار حیوانات،

کیلومتر) از قراقرورم احداث شده و «توسو بینگ جیا دیان»^{۲۲} نام داشته است (Shiraishi, 2004, P. 108). طبق فرضیه‌ای که بویل مطرح ساخته، جایگاه این قصر با کوشک ترغوبالیغ که در متون ایرانی به آن اشاره شده هم‌خوانی دارد (Boyl, 1974, P. 176). از فحوای این توصیفات می‌توان دریافت که ترغوبالیغ تا حدودی با قرشی سوری و قرشی قراقرورم دارای تشابه ساختاری بوده و هسته مرکزی آن را کوشک اقامتگاهی قآن تشکیل می‌داده است. به دلیل اشاره مستقیم گزارش‌های تاریخی به وجود تنها یک بنای کوشکی کوچک در این محل، می‌توان حدس زد که اقامت وابستگان به قآن و درباریان در این منطقه به صورت یورت‌های موقتی انجام می‌پذیرفته است.

در فاصله نزدیکی از جنوب شهر قراقرورم، محوطه تاریخی با نام «ملخین تولغوی»^{۲۳} قرار دارد. فرم این سایت به صورت یک تپه است و براساس ادعای ماتسودا (۱۹۹۴) می‌تواند همان مکان ترغوبالیغ تاریخی باشد. این فرضیه با کشف بقایای یک سازه معماری که باستان‌شناسان آن را به زمان حکومت اوگتای منتسب ساختند، پشتیبانی شد (Rogers et al., 2004, PP. 80-81)؛ با این حال شیرایشی به دلیل عدم همخوانی فاصله این سایت تاریخی از شهر قراقرورم (۳ کیلومتر) این فرضیه را با دیده تردید نگریسته است (Shiraishi, 2004, PP. 108-109) (شکل ۱۰).



شکل ۱۰. محوطه تاریخی ملخین تولغوی
منبع: Shiraishi, 2004

معماری بزرگ در شمال آن قابل مشاهده است (شکل ۹). براساس فرضیه شیرایشی، این دو سازه می‌توانند همان اقامتگاه قآن و پسرش باشند که بنا بر گزارش روبروک در کنار هم و در بالای اقامتگاه قرار داشته‌اند. او اعتقاد دارد که ساختمان شرقی به دلیل بزرگ‌تر بودن تعلق به قآن داشته است. از دو بنای فوق بقایای تزیینات کاشی‌هایی با لعاب سبز به دست آمده که بیانگر اهمیت و ارزش آنهاست (Shiraishi, 2004, P. 113).



شکل ۹. محوطه تاریخی سازن قوت
منبع: Shiraishi, 2004

ترغوبالیغ

به غیر از چهار اقامتگاه فصلی، جوینی و خواجه رشیدالدین به اقامتگاه دیگری اشاره داشته‌اند که در فاصله نزدیکی از قراقرورم قرار داشته و قآن در هنگام بازگشت به قراقرورم، در آن استراحت می‌کرده است. این اقامتگاه که گویا متشکل از یک کوشک مستقر در بالای یک بلندی بوده، بر مبنای گزارش هر دو متن، در فاصله دو فرسنگی (در حدود ۱۲ کیلومتر) از قراقرورم واقع بوده است. در تاریخ «یوان شی» نیز به قصری اشاره شده که در زمان اوگتای در فاصله ۳۰ لی (در حدود ۱۵

تحلیل یافته‌ها از استقرارگاه‌های دوره‌ای خان بزرگ در

اطراف قراقوروم

وجود استقرارگاه‌های حومه‌ای، به همراه پیگیری جایگاه احتمالی آنها در اطراف قراقوروم، اثبات‌کننده حرکت دوره‌ای قآن بزرگ در طول سال است. او در ابتدای بهار، قراقوروم را به سمت اقامتگاهی که در مناطق شمالی قرار داشته، ترک می‌کرده است. پس از یک اقامت چهل روزه در استقرارگاه بهاری، اردوی درباری در بازگشت به جنوب، بار دیگر وارد قراقوروم می‌شده است. در ابتدای تابستان، دربار خان بار دیگر به خارج از قراقوروم رهسپار شده و این بار با حرکت به سمت جنوب، وارد منطقه‌ای کوهستانی شده و در یورت‌های اقامتگاه تابستانی سکنی می‌گزیده‌اند. در اواخر تابستان، اردوگاه سلطنتی به سمت مناطق جنوبی‌تر حرکت کرده و به مدت چهل روز، تا فرارسیدن سرمای زمستانی، در اقامتگاه پاییزی مستقر می‌شده است. در آستانه فصل سرما نیز، اردوی فوق، در شهرک کوچکی که در دورترین فاصله در جنوب قراقوروم واقع بوده، منزل می‌کرده است. این چرخه حرکت، با پایان گرفتن زمستان

و بازگشت اردوی سلطنتی به قراقوروم، تکمیل می‌شده است (شکل ۱۱).

خصوصیات مشترک اقامتگاه‌های دوره‌ای قآن در حومه قراقوروم را براساس مدارک باستان‌شناسی می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

- به غیر از اقامتگاه تابستانی، استقرار قآن در داخل ابنیه ساخت‌واره‌ای صورت می‌گرفته که اغلب به دست مهندسان ایرانی یا چینی ساخته شده بودند.
- اقامتگاه‌هایی که به جای یورت مرکزی دارای یک کوشک با مصالح بنایی بوده‌اند، قرشی نامیده می‌شده است.
- در اکثر قرشی‌ها، استقرار اشراف در نزدیک خان، به صورت برپایی یورت‌های موقت بوده است.
- نوع استقرارها در اردوگاه‌های چهارگانه و همچنین قرشی قراقوروم و قرشی ترغوبالیغ به صورت مرکزگرایانه بوده و قرشی قآن در مرکز اردو یا محور مرکزی استقرارگاه قرار می‌گرفته است.



شکل ۱۱. جانمایی قراقوروم و اقامتگاه‌های دوره‌ای قآن در اطراف آن بر روی نقشه کنونی کشور مغولستان. منبع: نگارندگان

نتیجه‌گیری

با اینکه مغولان، زندگی کوچ‌نشینی را به زندگی یکجانشینی ترجیح داده و پایبندی به اصول و قواعد کوچ‌روی را ضامن بقای حکومتشان می‌دانستند، برای اداره

قلمرو گسترده‌ای که زیر نفوذ داشتند، چاره‌ای جز ساخت پایتخت به‌عنوان یک مرکز اداری نداشتند. این شهر که استقرارگاهی از پیش طراحی شده بود، بیشتر برای اقامت اسرای دارای قابلیت‌های فنی و صنعتی، بازرگانان ایرانی و

تعارض منافع

بین نویسندگان تعارضی در منافع وجود ندارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. امپراتوری جیانگنو (Xiongnu)، اتحادیه‌ای از اقوام صحراگرد از سال ۲۰۰ پیش از میلاد تا سال ۱۵۵ پس از میلاد که در نواحی وسیع از شمال چین، مغولستان امروزی و سیبری دارای نفوذ بوده است.

2. Karabalgasun
3. Wilhelm Radloff
4. Sergi Kiselev
5. Tonyukhukh
6. Khar Khul Khaany Balgas
7. Baibalyk
8. Karakorum

۹. کوران: اردوگاه‌های موقت مغولان که مشتمل بر چندین یورت

- یا کورن بوده که بر گرد یورت خان اردو مجتمع می‌شده‌اند.
10. Orkhon Valley
 11. House on the street intersection
 12. Erdene zu
 13. Transbaikalian
 14. Jianjianchahandian
 15. Doytan Balgas
 16. Tasgaan
 17. Uuragt
 18. Bayan Gol
 19. Shaazan Khot
 20. Ongi
 21. Wngji
 22. Tusuhu-yingjia-dian
 23. Melkhiin Tolgoi

چینی و همچنین دبیران درباری برپا شده بود. هر سه گروه فوق، جزئی از ملل تابعه محسوب می‌شده و فاقد پیشینه کوچ‌نشینی بوده‌اند. از مستندات چین برداشت می‌شود که قآن علاقه چندانی به استقرار درون پایتخت نداشته است. اقامتگاه او در خارج از شهر واقع بوده و او تنها دو دوره کوتاه در سال به این اقامتگاه وارد می‌شده است. قآن بزرگ به‌منظور حفظ سلوک کوچ‌نشینی و پاسداشت آداب صحراگردی، به‌همراه درباریان و ارکان دولت مغول، همچنان در طول سال میان اقامتگاه‌های مختلف در حرکت بوده است. استقرار در بعضی از اقامتگاه‌های فوق تماماً مبتنی بر برپایی یورت‌های موقت بوده که نشانه کاملی از سبک زندگی کوچ‌نشینی دربار مغول است.

سیاسگزاری

نویسندگان این مقاله، از همکاری صمیمانه دکتر یان بمان، استاد باستان‌شناسی انستیتوی باستان‌شناسی و مردم‌شناسی دانشگاه بن آلمان و همچنین دکتر نوریوکی شیرایشی، استاد باستان‌شناسی دوره مغول در انستیتو علوم انسانی و علوم اجتماعی دانشگاه نیگاتا ژاپن قدردانی می‌نمایند. دسترسی به بسیاری از گزارش‌های باستان‌شناسی در رابطه با فعالیت‌های اخیر در قراقوروم تنها به لطف این استادان گرامی برای نویسندگان میسر شد.

منابع مالی

وجود ندارد.

References

Ahmadi Nayini, E. (2018). religious developments in patriarchal Iran based on Numismatic evidence.

Payam-e Baharestan, 10(113), 167-210. [in Persian]

- Becker, E. (2012). Karakorum: Fragen zum stadtplan. *Zentralasiatische Studien*, 41, 43–88.
- Bemmann, J., Ahrens, B., Grützner, C., Klinger, R., Klitzsch, N., Lehmann, F., & Saran, S. (2011). Geoarchaeology in the steppe: first results of the multidisciplinary Mongolian-German survey project in the Orkhon valley, central Mongolia. *Studia Archaeologica Instituti Archaeologici Academiae Scientiarum Mongolicae*, XXX, Fasciulus.
- Bemmann, J. (2011). Was the center of the Xiongnu empire in the Orkhon Valley?. *Xiongnu archaeology: Multidisciplinary perspectives of the first steppe empire in Inner Asia*, 441-463.
- Bemmann, J., Lehdorff, E., Klinger, R., Linzen, S., Munkhbayar, L., Oczipka, M., & Reichert, S. (2014). Biomarkers in archaeology—Land use around the Uyghur capital Karabalgasun, Orkhon Valley, Mongolia. *Praehistorische Zeitschrift*, 89(2), 337-370.
- Bemmann, J., & Reichert, S. (2020). Karakorum, the first capital of the Mongol world empire: an imperial city in a non-urban society. *Asian Archaeology*, 1-23.
- Boyle, J. A. (1972). The seasonal residences of the great khan Ögedei. *Central Asiatic Journal*, 16(2), 125-131.
- Bayar, D., & Voitov, V. E. (2010). Excavation in the islamic cemetery of Karakorum. *Mongolian German Karakorum Expedition*, 1, 289-305.
- Dähne, B., Ulambayar, E., Tulisow, J., Inoue, O., Bareja-Starzynska, A., & Dziurzynska, E. (2012). *Archaeological Excavations in Karabalgasun by K. Maskov during Kotwicz's Expedition of 1912: A new contribution to the research history of the capital of the Eastern Uighur Khaganate*.
- Tulisow, J., Inoue, O., Bareja-Starzyńska, A., & E. Dziurzyńska (eds.) *In the Heart of Mongolia. 100 th Anniversary of W. Kotwicz's Expedition to Mongolia in*, 245-264.
- Franken, C., Rohland, H., Block-Berlitz, M., & Erdenebat, U. (2019). *Karakorum the old Mongolian capital in the Orkhon Valley*. Excavated Worlds 40 years of archaeological research on four continents Commission for the Archaeology of Non-European Cultures. Röhl, M (Ed.) Berlin: Deutsches Archäologisches Institut. 126-209.
- Franken, C., Rohland, H., Block-Berlitz, M., Batbayar, T., & Erdenebat, U. (2020). Remote Sensing of Large-Scale Areas at the Urban Sites of the Mongolian Orkhon Valley Using Low-Cost Drones. Preliminary Results and Some Thoughts on the Urban Layout of the Uyghur Capital Qara Balğasun. *Journal of Global Archaeology*, 1-28.
- Grützner, C., Bemmann, J., Berking, J., Frechen, M., Klinger, R., Klitzsch, N., & Schütt, B. (2012). Improving archaeological site analysis: a rampart in the middle Orkhon Valley investigated with combined geoscience techniques. *Journal of Geophysics and Engineering*, 9(4), 70-80.
- Hamedani, R. (1994). *Djami El-Tavarikh*. Roshan, M., Musavi, M (eds.) Tehran: Alborz.
- Heidemann, S., Kelzenberg, H., Erdenebat, U., & Pohl, E. (2006). The First Documentary Evidence for Qara Qorum from the Year 635/1237–8. *Zeitschrift für Archäologie Außereuropäischer Kulturen*, 1, 93-102.
- Hüttel, H. G. (2009). Royal palace or Buddhist temple? On search for the Karakorum palace. *Current Archaeological Research in Mongolia*. Bonn: Rheinische Fridrich-Wilhelms-Universität Bonn, 355-548.
- Hüttel, H. G., & Erdenebat, U. (2011). *Karabalgasun and Karakorum. Two late nomadic urban settlements in the Orkhon Valley*. Ulaanbaatar: Adman.
- Joweyni, A. (2008). *Tarikh-e Jahan- Gusha*. Qazvini, M (Ed.) Tehran: Negah.
- Kenarroudi, Q., & Naimi, S. (2013). Incompatibility of nomadic life with urban and rural life in Mongol Iran. *Social History Studies*, 5 (1), 101-120.
- Mahmoudi, F., & Mahdavi, H. (2020). Iconographic readings of the visual elements of the Ilkhanid coins motifs. *pazhoheshha-ye Bastan shenasi Iran*, 10(24), 169-186.
- Matsuda, K. (1994). *Dai 2 no kyumden mamoru?* Han no ishigame. Osaka: evening edition.

- Moradi, A., Mousavi, H. S. R., & Omrani, B. (2016). Recognizing the architectural Form of “Ghazan’s Tomb” in “Abvab-Albar” collection of “Ghazaniyeh” and its Role in Iranian Urbanization Development. *Baghe Nazar*, 13(42), 33-44.
- Plan Carpin, J. (1984). *Tartares appelons nous que Mongols des Histoire*. Shademan, V (Ed.) Tehran: Yasavoly.
- Pohl, E. (2007, August). Interpretation without excavation: Topographic mapping on the territory of the first Mongolian capital Karakorum. In *Current Archaeological Research in Mongolia: Papers from the First International Conference on “Archaeological Research in Mongolia” Held in Ulaanbaatar* (pp. 505-533).
- Pohl, E. (2010). The Excavations in the Craftsmen-Quarter of Karakorum (KAR-2) between 2000 and 2005—Stratigraphy and Architecture. *Mongolian-German Karakorum expedition. Wisbaden*, 1, 63-136.
- Pohl, E., Mönkhbayar, L., Ahrens, B., Frank, K., Linzen, S., Osinska, A., ... & Schneider, M. (2012). Production sites in Karakorum and its environment: a new archaeological project in the Orkhon Valley, Mongolia. *The Silk Road*, 10, 49-65.
- Polo, M. (2011). *The book of ser Marco Polo the Venetian*. Sajadi, M (Ed.) Tehran: Buali.
- Polo, M. (1984). *The book of ser Marco Polo the Venetian*. Golbang, H (Ed.) Tehran: Kushesh.
- Rogers, J. D., Ulambayar, E., & Gallon, M. (2004). *The Hovsgol Deer Stone 2003 Field Report*. Fitzhugh, W.W (Ed.) Washington D.C: Arctic Studies Center. 70-91.
- Rogers, J. D., Ulambayar, E., & Gallon, M. (2005). Urban centres and the emergence of empires in Eastern Inner Asia. *antiquity*, 79(306), 801-818.
- Rubruck, W. (1990). *The Mission of friarWilliam of Rubruck*. Jackson, P (Ed.) London: Hakluyt Society.
- Shiraishi, N. (2004). Seasonal migrations of the Mongol emperors and the peri-urban area of Kharakhorum. *International Journal of Asian Studies*, 1(1), 105-119.
- Waugh, D. C. (2010). Nomads and Settlement: New Perspectives. *Silk Road*, 8, 97-124.
- Yarahmadi, M. (2008). Coins of the Mongol period. *Amuzesh-e Tarikh*, 11(3), 39-42

